



## واکاوی ادله فقهی لزوم حمایت از کالای ایرانی

معصومه رضائی<sup>۱</sup>، محمد کبودی<sup>۲</sup>

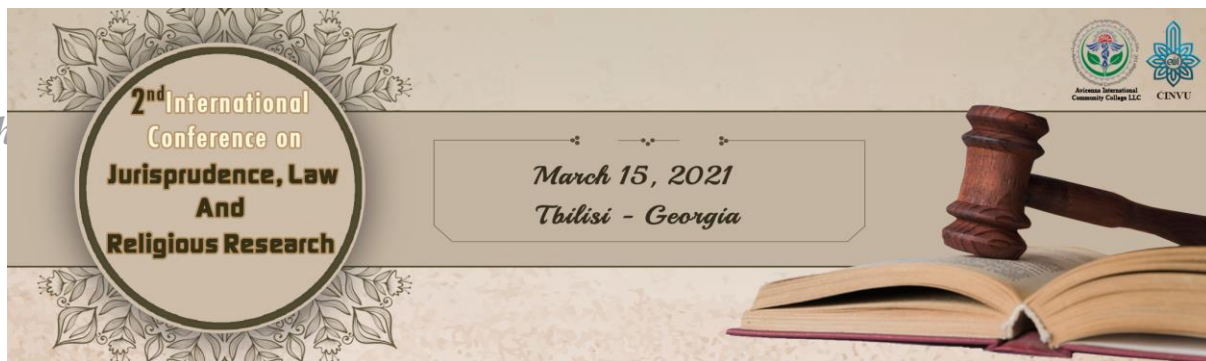
۱- دانشجوی دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی

۲- کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

### چکیده

واقعیت آن است گرایش به سمت مصرف کالاهای خارجی در کشور ما وجود دارد و پیامدهای آن در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور کاملاً مشهود است. در این مقاله سعی شده به این سوال پاسخ داده شود که: آیا موضع‌گیری اسلام با این نوع از گرایش و وابستگی سنخیت دارد؟ در پاسخ به این پرسش در مقاله مذکور ابتدا مقدمه‌ای پیرامون بحث بیان شده است. سپس قواعد فقهی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام»، «نفی سبیل»، «اعانت بر الاثم والاعدان»، «مصلحت نظام»، «حکم حکومتی»، «قاعده اهم و مهم» را با استناد به ادله قرآنی و روایی بررسی می‌کند. آن‌گاه به نقش عواملی که در مصرف کالای خارجی اهتمام دارند، پرداخته می‌شود. در پایان با نقل قولی از رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) و نتیجه‌گیری حاصل‌تامل نویسنده، بحث پایان می‌یابد.

**کلیدواژه:** کالای ایرانی، ادله فقهی، تولید



## بیان مسئله

حمایت از تولید داخلی در شرایط حساس کنونی بزرگ‌ترین اقدام برای حل مشکل اشتغال و معیشت مردم است که در جهت ترویج و فرهنگ‌سازی حمایت از کالای ایرانی باید دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فرهنگی متحد شوند. سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در چندین سال متوالی بیانگر اهمیت این امر در حوزه اقتصاد است و امروز نیز باید اصلی‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را در شعار سال مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دنبال کرد. امروز فرهنگ‌سازی استفاده از تولیدات ملی و کالاهای ایرانی یک امر ضرورت ملی است که باید در دستور کار همه ادارات و نهادها، خصوصاً نهادهای فرهنگی قرار بگیرد. باید کاری کنیم که استفاده از کالای داخلی به عنوان ارزش تلقی شود تا از این مسیر با حمایت از تولیدات ملی خودمان به رشد و رونق تولید در کشور کمک کنیم. در آمیزه‌های الهی دین مبین اسلام نیز برآمدگی کامل در مقابل کفار و استکبار در حوزه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأکید شده است. تا جایی که در «آیه ۶۰ سوره انفال»<sup>۱</sup> نیز به این مهم اشاره شده است؛ لذا در ادامه بحث ادله‌های فقهی لزوم حمایت از کالای ایرانی را از دیدگاه فقهای اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱. مبانی تولید و مصرف کالاهای داخلی در اسلام

به استناد آیات قرآن، اهمیت پرداختن به حوائج مشروع دنیوی تاجایی است که آن را در کنار سعادت اخروی لازم می‌دانند؛ به عبارتی توجه به دنیا و آخرت و نیازهای دنیوی و اخروی به طور توأمان در دستور کار مؤمنین قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> همچنین در آموزه‌های الهی دین مبین اسلام، اقتصاد به مفهوم مدیریت تولید، توزیع و مصرف و دانش دخل و خرج و هزینه‌های صلابت جامعه برشمرده است؛ تا جایی که از دارایی و ثروت، به عنوان قوام بخش زندگی نام برده شده است.<sup>۳</sup>

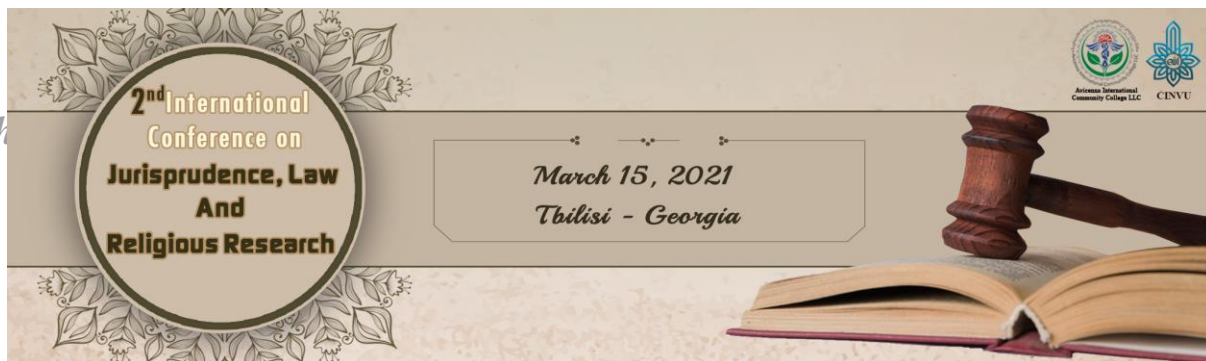
<sup>۱</sup> - «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُونَ اللَّهُ يَعْلَمُ نُهُمْ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ» (سوره انفال - ۶۰)

و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود - و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد - را بترسانید. و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود.

<sup>۲</sup> - «وَأَنْتُمْ فِيهَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَكَأَنْتُمْ نَصِيْبِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا» (سوره فصاح - ۷۷)

"در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را طلب کن، و (نیز) بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن"

<sup>۳</sup> - «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (سوره نساء - ۵)



بطور قطع مادامی که از تولید داخلی استفاده کنیم رشد و توسعه جامعه را به همراه دارد، چون با تولید انبوه، کالا ارزان تر می شود و وقتی کالا ارزان است، قدرت خرید افزایش پیدا می کند و متقابلاً جامعه به رفاه متناسب می رسد. این ساده ترین دلیل استفاده از جنس داخلی است. شاید مهمترین مزیت مصرف تولیدات داخلی، ایجاد و فرصت های اشتغال، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و.. در جامعه باشد که هر کدام از اینها زمینه ساز رفع سایر مشکلات جامعه است.

برای نمونه مصرف کالاهای داخلی در کنار ارتقای زندگی بسیاری از شاغلان و فعالان صنایع مختلف، می تواند به بیکاری جوانان بسیاری پایان دهد و حتی آنان را از دیگر آسیب های اجتماعی رهایی بخشد. بنابراین رسیدگی و خرید کالاهای داخلی فقط به رونق اقتصادی یک عرصه شغلی منجر نمی شود بلکه این منافع به سایر قشرهای یک جامعه نیز می رسد. اما جدا از اشتغال، افزایش تولید و خرید کالاهای داخلی، سبب ثبات قیمت ها در جوامع می شود. وقتی تولید داخلی افزایش یابد، میزان عرضه و تقاضا در یک جامعه به حالت توازن می رسد و نتیجه آن نیز ثبات قیمت ها را در پی دارد. ثبات قیمت ها به همراه خود فواید زیادی برای جوامع به ارمغان می آورد که حرکت جامعه به سوی توسعه پایدار از مهمترین آنهاست. این توسعه پایدار به رفاه جامعه منتهی می شود و از این طریق جامعه از ضریب امنیت بیشتری بهره می برد (حبیبی، ۱۳۹۵).

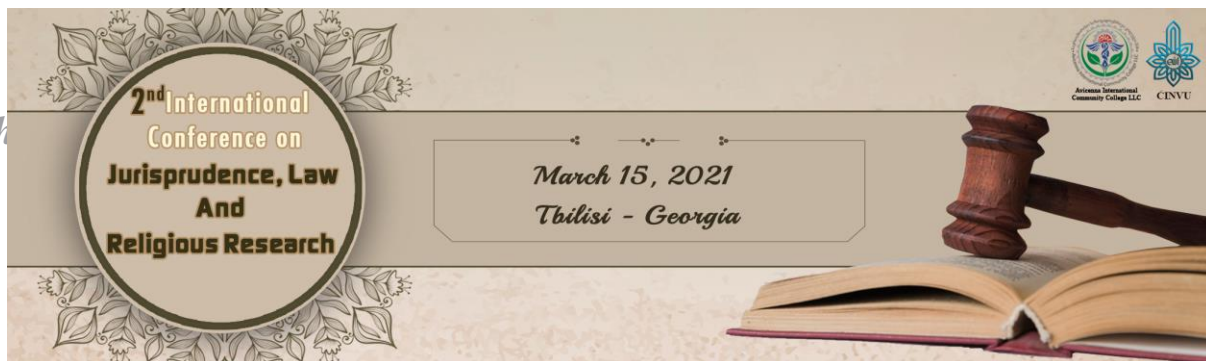
## ۲. ادله فقهی لزوم حمایت از کالای ایرانی

اگر با نگاه فقه اجتماعی، قواعد فقهی، لحاظ و موضوع آن احراز شود، خرید تولید داخلی نه تنها لازم، بلکه واجب می شود. به منظور روشننگری چگونگی تطبیق قواعد فقهی بر این موضوع، به تحلیل چند قاعده فقهی که مبتنی بر آیات و روایات است، پرداخته می شود.

### ۲-۱. قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام

حدیث لاضرر، روایتی معروف با مدلول عدم تشریح ضرر در اسلام می باشد. به حدیث «الضَّرَرُ وَ لَاضِرَارٌ فِی الْاِسْلَامِ». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۶، ص ۱۴). یا «الضَّرَرُ وَ لَاضِرَارٌ عَلَی الْمُؤْمِنِ» (همان، ج ۱۸، ص ۳۲). که از رسول اکرم (ص) نقل شده، حدیث لاضرر اطلاق می گردد. این حدیث بدون قید «فی الاسلام» یا «عَلَى الْمُؤْمِنِ» نیز نقل شده است. قاعده لاضرر که برگرفته از همین سند و آیات قرآن می باشد به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است. (فیض، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۳) از این قاعده به قاعده ضرر، قاعده ضرر و ضرار، قاعده لاضرر و لاضرار و قاعده نفی ضرر نیز تعبیر می شود. برای اثبات این قاعده به ادله قرآنی، روایی و عقلی، استدلال شده است که برای پرهیز از دور شدن از موضوع بحث از بیان آنها جلوگیری می کنیم ولی در این قاعده لازم است منظور از نفی ضرر روشن شود. برخی ضرر را در مقابل نفع گرفته اند و برخی نیز ضرر را به معنی نقص و کم کردن حق دیگری دانسته اند، عده ای هم ضرر را به معنای سوء حال می دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۹).

" و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید."



شیخ انصار معتقد است: «منظور از نفی ضرر را نفی احکام ضرری می‌داند؛ یعنی "لا" در معنای نفی به کار رفته و کلمه "حکم" را باید در تقدیر گرفت؛ بنا بر این، مراد این است که "لا حکم ضرری فی الاسلام" یعنی در اسلام احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد وجود ندارد.» (انصاری، ج ۲، ص ۴۶۰).

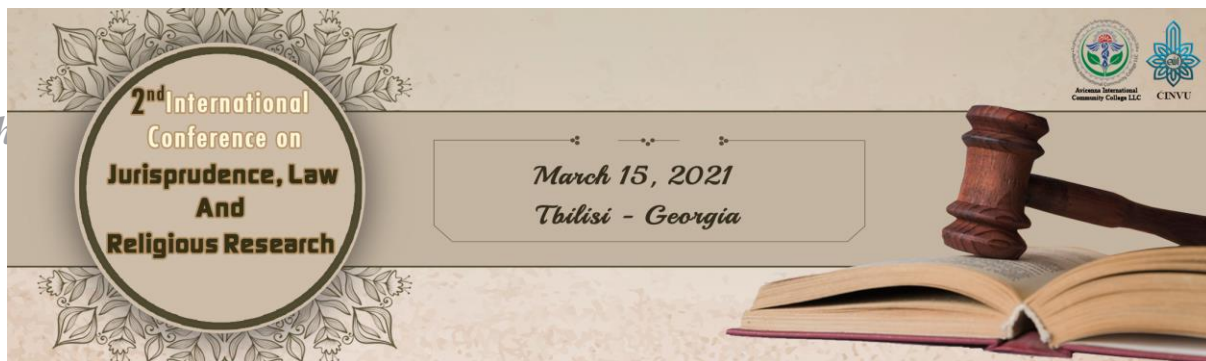
آخوند خراسانی می‌گوید: «منظور از قاعده لا ضرر را نفی حکم به لسان نفی موضوع دانسته که مانند آن در اخبار، فراوان است، مثل "لا شک لکثیر الشک" یعنی کسی که بسیار شک کند، شک او شک نیست؛ به بیان دیگر، موضوعاتی که دارای حکم هستند، اگر با عنوان اولیه شان، سبب ضرر بشوند، حکم آن برداشته می‌شود؛ پس موضوعاتی مانند بیع و وضو که احکامی مانند وجوب و لزوم دارند، اگر موجب زیان گردند، احکام آن‌ها برداشته می‌شود؛ یعنی اگر وضو موجب ضرر گردد، حکم وجوب آن برداشته می‌شود.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۱). از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است، قاعده لاضرر یا قاعده نفی ضرر است. با آنکه نصوص شرعی متعددی بعنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است. اما بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار، از احکامی است که عقل، صرف نظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم می‌کند و از مستندات عقلیه است. قاعده لاضرر یکی از ۴ یا ۵ قاعده کلی است که بسیاری از فقه‌های اسلام آن را اساس تشکیل فقه دانسته‌اند. این قاعده مهمترین مستند برای جلوگیری از اعمال ضروری است و از هر ضرر مادی و معنوی به آبرو، مال و جان مومنان منع می‌نماید. با آنکه لاضرر از احکام تکلیفی است، اما بطور غیرمستقیم زمینه ایجاد احکام وضعی را در بسیاری موارد فراهم می‌کند. بعنوان مثال: از آنجا که به حکم لاضرر و اضرار، زیان رساندن به خود و دیگران نهی شده است، عملی که به قصد اضرار انجام گیرد هرچند ظاهر آن مشروع باشد، به سبب وجود قصد اضرار نامشروع خواهد شد و وجود قصد اضرار در معاملات موجب نامشروع شدن جهت معامله و در نتیجه عدم صحت آن خواهد شد. در بحث استفاده و مصرف کالای خارجی با ضرر زدن به اقتصاد حکومت اسلامی و مردم تحت حکومت عملاً مصرف کننده کالای خارجی مسئول به حساب می‌آید زیرا از طرفی موجبات بیکاری رافراهم کرده و از طرف دیگر این عمل باعث تضعیف تولید داخل شده و تبلیغی برای مصرف کالاهای خارجی می‌باشد. و این در صورتی است که احراز شود کالای ایرانی با کیفیت مساوی و یا با کیفیت بالاتر از کالای خارجی وجود دارد و خرید کالای خارجی هر چند برای شخص ضرر نداشته باشد، ولی چون ضرر اجتماعی دارد و موجب بیکاری جوانان و تعطیلی تولید داخلی می‌شود، طبق این قاعده، خرید کالای ایرانی لازم است.

## ۲-۲. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل، قاعده‌ای اسلامی است که هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد. (رحمانی، ۱۳۸۲) برای اثبات این اصل، به «آیه ۱۴۱ سوره نساء»<sup>۴</sup>

<sup>۴</sup> - «...وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء- ۱۴۱)

"و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود."

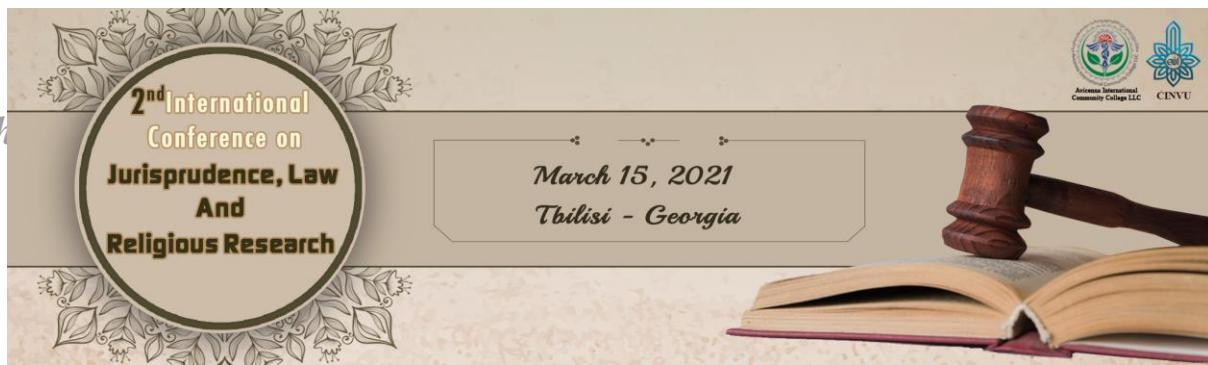


استناد شده است. جایز نبودن ولایت غیرمسلمان بر مسلمان، ساقط شدن حق قصاص غیرمسلمان، جایز نبودن ازدواج غیرمسلمان با مسلمان و عدم ثبوت حق شفعه برای غیرمسلمان از مواردی است که به قاعده نفی سیل استناد می‌شود. سلطه دشمن بر جامعه اسلامی و مسلمانان از نظر فقه اسلامی، امری نارواست و هرگونه ارتباطی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد به گونه‌ای که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع تلقی می‌شود. (محمدی کیا، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸).

فقه‌های اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) قاعده فقهی‌ای را به عنوان قاعده نفی سیل تأسیس کرده‌اند. (همان، ص ۱۶۹). براساس این قاعده، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. دومین قاعده «نفی سیل» «آیه ۱۴۱ سوره نساء» است. این نیز در صورتی است که احراز شود کالای ایرانی با کیفیت مساوی و یا بالاتر وجود دارد. خرید کالای خارجی موجب استیلای سیاسی و اقتصادی و نظامی بیگانگان بر کشور می‌شود و آنان با استفاده از این ضعف، فشار را بیشتر می‌کنند. طبق این قاعده، خرید کالای ایرانی جهت نفی سلطه لازم است. این قاعده در آثار فقهی عالم بزرگ، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، (ره) به نحو چشمگیری بازتاب یافته است. ایشان افزون بر استنباط احکام در فقه فردی، در مسائل فقه سیاسی اجتماعی نیز از آن به شایستگی بهره جسته است. بر پایه کاربرد این قاعده در ساحت اندیشه فقه سیاسی و نیز آن دسته از مسائل فقه اقتصادی که بر وضعیت ارزشی جامعه اثرگذار است، وظایف مسلمانان را در برابر سلطه‌گری‌های استعمار، روشن نموده است. اندیشه‌های ایشان در زمینه فقه اقتصادی، در قالب چند نامه موجود است و محور آن، رونق تولید ملی و استفاده از کالاهای داخلی است. زیرا وابستگی‌های اقتصادی مسلمانان به جهان کفر، زمینه‌ساز سلطه و غلبه سیاسی کفار بر مسلمین است. در موارد ویژه‌ای، هر گاه منافع و ارزش‌های حیاتی جهان اسلام، در معرض خطر قرار گیرد، قواعد ثانویه فقهی که ضامن تأمین ارزش‌های متعالی و حیاتی اسلام است، قد برافراشته، قواعد اولیه را باطل اعلام می‌کند. قاعده نفی سیل، از قواعد ثانویه فقهی است. (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷) اسلام می‌خواهد که غیر مسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف، هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد و آلا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آن که اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده او است و اعتباری به ملتی مستقل است که «نهر و» تعارف‌های دیپلماسی معمولی نیست. به قولی جهش اقتصادی داشته باشد. (مطهری، بی تا، ص ۲۱).

### ۲-۳. قاعده اعانت بر الاثم والاعداون

یکی از قواعد فقهی قاعده ی حرمت اعانت بر اثم است که فرد یا افراد دیگری گنهکار را در انجام عنصر مادی یاری و کمک می‌کنند. گنهکار گاهی به تنهایی عمل گناه را انجام می‌دهد که عنوان فاعل دارد و گاهی نیز با همکاری دیگری یا دیگران مرتکب می‌شود که این همکاری ممکن است دو صورت داشته باشد؛ صورت اول، دخالت همگی همکاران در عنصر مادی گناه که به تمامی آنان، شرکا گفته می‌شود. صورت دوم، به گونه‌ای است که فرد یا افرادی به تنهایی عنصر مادی گناه را مرتکب می‌شوند؛ ولی فرد یا افراد دیگری وی را در انجام عنصر مادی یاری و کمک می‌کنند



که به عمل این فرد یا افراد در فقه اسلامی « اعانه بر اثم » گفته شده، به آنان عنوان « معین » نیز داده‌اند. در حقوق جزای عرفی به عمل فوق، « معاونت در جرم » گفته شده، به افراد فوق عنوان « معاون » داده‌اند. (یزدی ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۷۳) این موضوع در کتب فقهای متقدم تحت این قاعده نیامده؛ بلکه به صورت موردی از آن سخن به میان آمده است؛ مثلاً در جایی که می‌خواهند عمل فروش انگور به کسی که می‌خواهد شراب درست کند را مطرح نمایند یا فروش چوب به کسی که می‌خواهد بت بترشد، و یا خدمت کردن در دستگاه طواعت و ظالمان را مطرح کنند، به این مطلب نیز اندکی اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، شیخ انصاری (علیه الرحمه) در مکاسب محرمة در مبحث «معونة الظالمین» تا حدودی در این زمینه بحث کرده است. از جمله ادله مستندات قاعده، قرآن، روایات، عقل، اجماع می‌باشد. خوشبختانه فقهای متأخر به این موضوع تحت عنوان «قاعده‌ی اعانه‌ی بر اثم» اشاراتی داشته‌اند. از آن جمله‌اند مرحوم نراقی در کتاب عوائد الایام، فاضل لنکرانی در کتاب القواعد الفقهیه و نیز مرحوم بجنوردی. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۷۳)

فقها حرمت اعانت بر «اثم» را مستند به دلایل زیر می‌دانند:

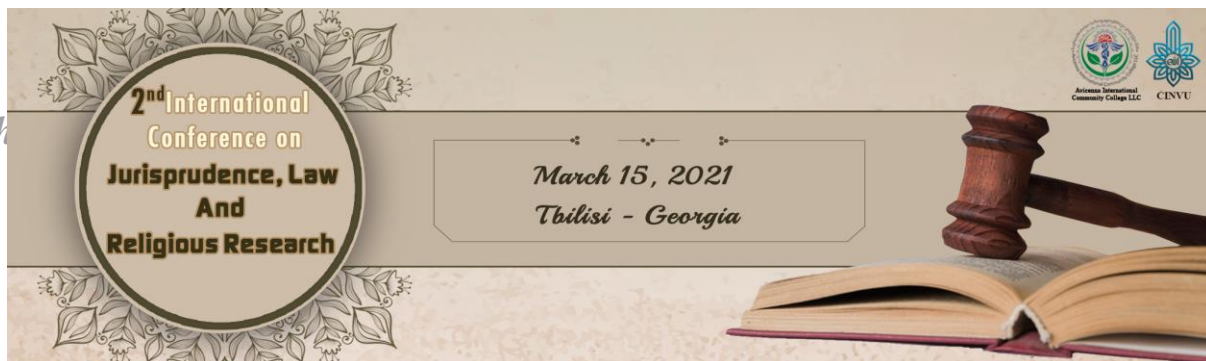
«آیه ۲ سوره مائده»<sup>۵</sup>: گروهی از فقها از این آیه شریفه حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در این آیه تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد. گروهی دیگر این آیه را برای این مقصود کافی ندانسته‌اند؛ به دلیل این که اولاً این احتمال وجود دارد که مؤدای آیه تعاون حکم تنزیهی باشد؛ نه تحریمی. بنابراین، حکم تعاون، کراهت خواهد بود نه حرمت؛ به دلیل اینکه مقابل نکوهش اعانه بر اثم، امر به اعانه به تقوی است. چون امر به تقوی امری مستحب است، از این رو وجود این احتمال مانع از اثبات حکم حرمت برای اعانه خواهد بود. (منتظری ۱۴۱۵، ص ۳۲۷) در رد این اشکال گفته‌اند: «قرینه بودن بعضی از جملات آیه مسلم نیست؛ زیرا تناسب کلمه و موضوع برای عقل شهادت می‌دهند که نهی در اینجا برای تحریم است.

علاوه بر این، مقارن بودن اثم با عدوان هیچ مجالی را برای حمل بر کراهت باقی نمی‌گذارد؛ چون حرمت ظلم و عدوان ضروری و بدیهی است». (همان، ص ۳۲۸) باتوجه به این آیه در شرایطی که خرید کالای بیگانگان موجب بیکاری جوانان ایرانی و افت تولید داخلی و یا تعطیلی کارخانجات شود، چون چنین خریدی کمک به دشمنان و همکاری با منافع آنها بر ضد نظام و کشور و ترویج صدها مفساد داخلی می‌شود، قطعاً خرید داخلی لازم خواهد بود. و خرید کالای خارجی مصداق اعانت بر «اثم» می‌باشد پس این فعل حرمت دارد. همچنین خرید کالای ایرانی عمل نیکو محسوب می‌شود زیرا نتیجه این خرید تقویت اقتصاد جامعه مسلمین و کمک به اشتغال جوانان مسلمان و بهبود وضعیت کارخانجات و تولیدات داخلی می‌باشد و در این آیه به همکاری در عمل نیکو تاکید شده است.

## ۴-۲. مصلحت نظام

<sup>۵</sup> - «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَكَاتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (سوره مائده-۲)

و باید با یکدیگر در نیکو کاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.



با نگاهی به نوشته‌های فقهی، روشن می‌شود، عنوان (حفظ نظام)، در دو معنی به کار می‌رود؛ زیرا گاهی مقصود از آن نگهداری حاکمیت اسلامی و جلوگیری از خدشه دار شدن آن به دست دشمنان داخلی و خارجی اسلام است. می‌توان عنوان (حفظ بیضه اسلام) را نیز به همین معنی یا دارای معنایی نزدیک به این دانست. روی همین جهت، میرزای نائینی (تحفظ از مداخله اجانب و تحدّر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه) را در زبان دین مداران، حفظ بیضه اسلام و در بیان دیگران (حفظ وطن) نامیده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ص ۵). گاهی مراد از آن، نگهداری آراستگی در درون جامعه اسلامی و بسامان کردن بین مردم و سازمانها و نهادهای اجتماعی است. حفظ نظام به این معنی، در برابر از هم گسیختگی و هرج و مرج، به کار برده می‌شود. اصطلاح حفظ نظام، بیش تر جاها، در معنای دوم به کار رفته است. از باب مثال، صاحب جواهر، در علت آوری برای این حکم که برای گره گشایی و جدا کردن حق از باطل و جلوگیری از ستیزها، به دست آوردن مرتبه اجتهاد، واجب است، می‌نویسد: (لتوقف النظام علیها). (نجفی، ۱۴۳۰، ج ۲۱، ص ۴۰۴) واژه مصلحت از جمله واژگانی است که می‌توان آن را از ابعاد گوناگون مورد بحث و گفت و گو قرار داد، چرا که از یک سو امر تابعیت احکام از مصالح و مفاسد، معیار و مناط تشریح بسیاری از احکام است؛ بدین معنا که اگر در اسلام چیزی واجب شده بر پایه وجود مصلحت ملزمه است و اگر چیزی حرام شده باز بر اساس وجود مفسده ملزمه می‌باشد و این گونه نیست که رازی جز تعبد محض نداشته باشد. از سوی دیگر، مصلحت به عنوان امری لازم در اعمال ولایت عام شرعی، مانند ولایت پدر بر فرزند صغیر، ولایت بر سفیه، مجنون، مفلس و ولایت بر وقف و جز آن‌ها جای گفت و گو دارد. از سوی سوم، به عنوان یکی از منابع حقوق در کنار دیگر ادله و یا بخشی از آن مطرح است که به مصالح مرسله شهرت دارد، و بالاخره در اداره سیاسی نظام اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مصلحت عبارت است از آن چه که بر عملی بار می‌شود و سبب درستی آن می‌گردد، چنان که گفته می‌شود: امام مصلحت را در این دید؛ «یعنی چیزی که سبب صلاح می‌شود، و از همین رو کارهایی که انسان برای سود بردن انجام می‌دهد مصلحت نامیده می‌شود.» (میددی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۹) مصالح انسان از جهت ارزش و قیمت همگی به یک پایه نیستند بلکه برخی بر دیگری رجحان و تقدم دارند، چرا که متعلق مصالح یک سان نیست، از این رو از گذشته ایام مصالح را در پنج گروه قرار داده‌اند که عبارت است از: دین، جان، عقل، نسل و مال. اگر پذیرفتیم که امور پنج گانه گفته شده، به عنوان مصالح اصلی و اساسی جامعه و فرد هستند نباید تردید کرد، نظامی که پاسداری از این مصالح را بر عهده دارد خود یکی از مصالح بلکه در رأس همه آن‌ها قرار دارد. غزالی نیز به این نکته اشارت دارد که هر چه حمایت از این پنج مورد باشد مصلحت نامیده می‌شود (غزالی، ۱۲۳۱، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷).

مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن، ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخلی و خارجی بر آنان پیروز گرداند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۴۴۶) مصلحت نظام در معنای موضوع تحقیق ما بدین معنا است، که اگر احراز شود مصلحت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور به گونه‌ای است که راهی جز افزایش تولید داخلی ندارد، طبیعی



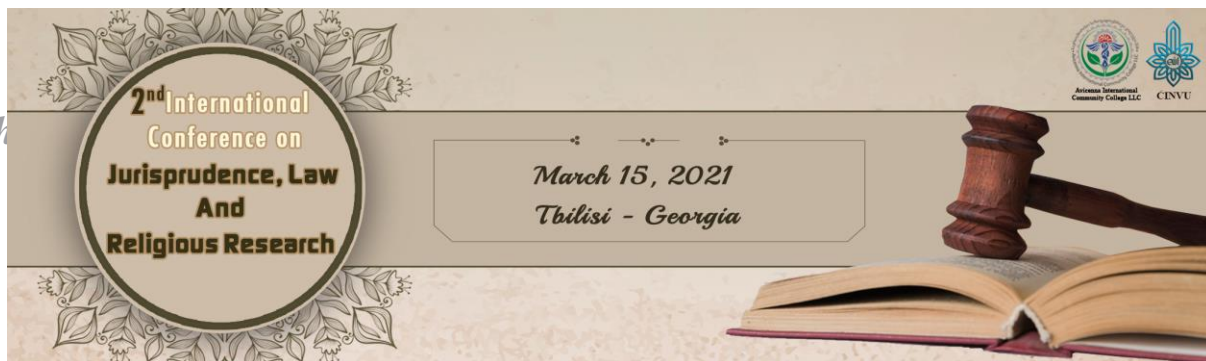
است مصلحت در این مرتبه مولد حکم و جویی برای خریداران و بالا بردن کیفیت کالا در جهت رقابت با کالای خارجی برای تولید کنندگان داخلی است. به نظر نگارنده ممکن است بعضی از کالاهای ایرانی از کیفیت لازم برخوردار نباشد ولی مصلحت خرید این کالا، بر مفسده‌ی آن که باعث ایجاد وابستگی به کفار می‌شود، می‌چربد. در نتیجه باید مصلحت اهم را گرفت و بر طبق آن عمل کرد و لذا باید کالای خارجی را ولو از لحاظ مرغوبیت بالاتر است، به جهت مفسده‌ی وابستگی و ایجاد سلطه‌ی کفار، حکم به حرمت خرید و فروش آن بدهیم.

## ۲-۵. حکم حکومتی

علما تعریف واحدی که بتواند به همه جوانب و ابعاد حکم حکومتی پردازد، ارائه نکرده‌اند؛ به ناچار در ابتدا به تعاریف مختلفی که در آثار و نوشته‌های برخی فقهای گذشته و معاصر ذکر شده اشاره می‌کنیم. صاحب جواهر در مقام بیان فرق بین فتوا و حکم بیان می‌کند «اما حکم، فرمان اجرای حکم شرعی یا وضعی و یا موضوع آن دو در شیء مخصوص از سوی حاکم است، نه از جانب خدای تبارک و تعالی» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۰، ص ۱۰۰) در این تعریف اشاره به عنصر مصلحت نشده، در حالی که وجود آن در رابطه با احکام حکومتی لازم است و از جهت دیگر اینکه بیانگر حکمی است که قاضی صادر میکند و شامل همه احکام صادره از سوی حاکم اسلامی نم‌یگردد. امام خمینی این تعریف را از حکم حکومتی ارائه نموده است «احکام حکومتی احکامی است که رهبر جامعه با توجه به ریاست و ولایتی که دارد صادر می‌کند و با احکامی که در مقام بیان اوامر و دستورهای الهی بیان می‌شود متفاوت است» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲). احکام از جهات مختلف دارای تقسیمات عدیده ای است، مثلاً حکم را به تکلیفی و وضعی، تأسیسی و امضایی، مولوی و ارشادی، واقعی و ظاهری و... تقسیم میکنند از جمله مهمترین تقسیمات احکام که کمتر مطرح شده، تقسیم حکم به خصوصی و عمومی است. احکام خصوصی یا فردی احکامی است که به طور مستقیم وظایف یک یا چند فرد بخصوص را بیان می‌کند. با توجه به تعاریفی که ذکر شد، م‌توان حکم حکومتی را این گونه تعریف نمود:

«مجموعه دستورات و مقرراتی که بر اساس ضوابط شرعی و عقلایی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی حاکم اسلامی و برای اجرای احکام و حدود الهی و به منظور اداره جامعه در ابعاد گوناگون آن و تنظیم روابط داخلی و خارجی آن صادر میگردد». (کلانتر ۱۳۸۸، ص ۱۱). به عبارتی قوانین و مقرراتی که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته و از اختیارات حکومت اسلامی ناشی می‌شود که بر اساس مصالح متغیر زمان، قانون گذاری و اجرا می‌شود این نوع قوانین در بقا و زوال خود تابع مقتضیات و مصالح زمان بوده و حتماً با پیشرفت مدنیت و تغییر مصالح و مفاصد تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. آری، خود اصل ولایت چون یک حکم آسمانی و از مواد شریعت است قابل تغییر و نسخ نیست. (طباطبایی، بی تا، ص ۱۱۳-۱۱۱) آنچه که احکام حکومتی خوانده می‌شود همین نوع است. به علاوه فرامین و دستورات جزئی و نیز دستور اجرای احکام کلی الهی. برخی از محققان از احکام حکومتی به احکام ولایتی یا احکام سلطانی و احیاناً احکام عمومی و اجتماعی نیز تعبیر می‌کنند. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۷۷). پس یعنی اگر احراز شود بیانات مقام معظم رهبری در خرید کالای داخلی امر ارشادی و توصیه نیست، بلکه امری حکومتی است، طبیعی است به حکم «یا اَیْهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء، آیه ۴۹) همه موظف‌اند کالا داخلی را خریداری کنند. تولید کنندگان نیز



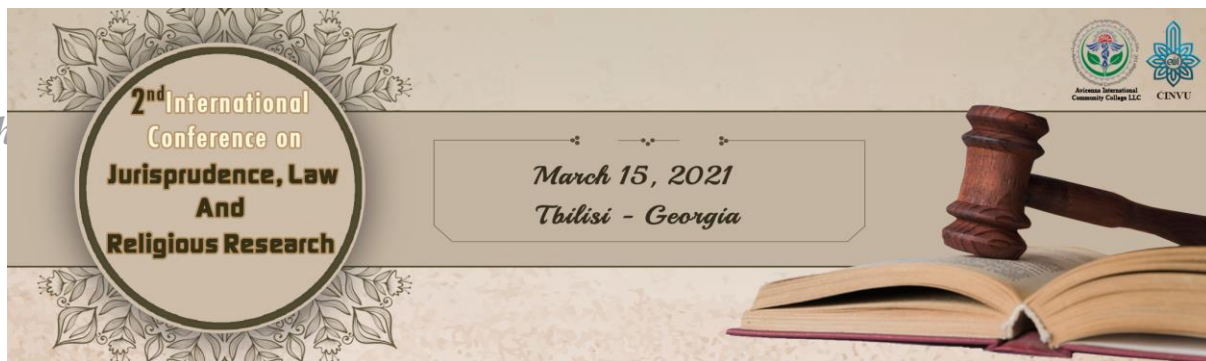


وظیفه دارند با بالا بردن کیفیت، زمینه جذب مشتریان داخلی را فراهم کنند. از بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱ این است: کسانی که مصرف کننده هستند که همه ی ملت ما در واقع مصرف کننده اند - محصولات داخلی را مصرف می کنند که من روی این بارها و بارها تکیه کردم و امروز هم عرض می کنم و تکیه می کنم همه سعی بکنند محصولات داخلی را مصرف بکنند، کارگر ایرانی را حمایت بکنند، کارگاه تولیدی داخلی را با مصرف کردن [محصول] آن رونق بدهند. ایشان می فرمایند: من تأکید می کنم، اصرار می کنم، از همه ی ملت ایران درخواست می کنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است. بنابر حکم شرعی اطاعت کردن از حکم حکومتی قدر متیقن از آیات و روایات این است که اطاعت در خصوص آنچه از ایشان از جهت نبوت و امامت صادر می شود واجب است. (خراسانی، ۱۴۰۶، ص ۹۳).

### ۶-۲. قاعده اهم و مهم

قاعده اهم و مهم یا قانون اهمیت، به معنای تقدم حکم مهم تر در جایی است که بین دو حکم (مهم و مهم تر) تراحم وجود دارد. بنابراین، هرگاه بین دو واجب تراحم باشد، در مقام رفع تراحم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدم می گردد و در صورت تساوی، مکلف در امتثال هر یک از آن دو مخیر است، مثل آن که دو نفر در حال غرق شدن باشند و مکلف فقط قادر به نجات یکی از آنان باشد، حال در صورتی که یکی از دو نفر، پدر نجات دهنده و دیگری فردی بیگانه باشد، نجات پدر مقدم است؛ ولی هر گاه هر دو بیگانه باشند، وی در نجات دادن هر یک از آنها مخیر است. این راه حل را، قاعده تقدم اهم بر مهم می گویند. هر گاه به سبب قانون اهمیت، یکی از واجب ها بر دیگری مقدم شود، وجوب واجب دیگر، به عدم اشتغال مکلف به واجب اهم مشروط است؛ در این صورت، وجوب واجب مهم را وجوب ترتیبی می نامند. (صدر ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۵) مبتنی بودن احکام اسلامی به یک سلسله مصالح و مفاسد به اصطلاح زمینی، یعنی مربوط به انسان که در دسترس کشف عقل و علم بشر است امکان زیادی به مجتهد می دهد که به حکم خود اسلام، در شرایط مختلف زمانی و مکانی فتواهای مختلف بدهد و در واقع کشف کند که چیزی در یک زمان حلال است و در یک زمان حرام. در یک زمان واجب است و در یک زمان مستحب. (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱). طبق مفاده قاعده اهم و مهم، اگر امر دایر بین خرید کالای ایرانی و خارجی باشد، در چنین مواردی، اگر خرید کالای داخلی موجب رونق بازار داخلی، رفع بیکاری خود کفایی و در نتیجه استقلال اقتصادی کشور گردد، بتردید اگر گفته نشود خرید کالای داخلی واجب است، قطعاً بر خرید کالای خارجی اولویت دارد. از منظر دیگر نیز میتوان از قاعده اهم و مهم استفاده نمود؛ به این صورت که اگر امر دایر مدار منافع شخص خریدار و منافع اجتماع باشد؛ به این معنا که خرید کالای خارجی به دلیل داشتن کیفیت بالاتر، منافع خریدار را تضمین کند، ولی خرید کالای داخلی موجب رونق کسب و کار و اشتغال جوانان شود، در چنین موردی مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد مقدم شده و حداقل خرید کالای داخلی رجحان پیدا می کند. (خزائی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۰).

### ۳. عواملی که در مصرف کالای خارجی نقش دارند

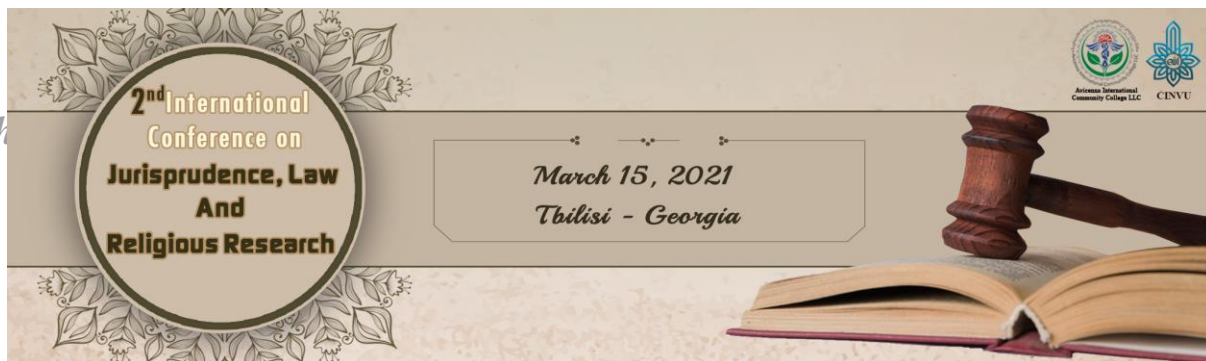


چندین عامل در مصرف کالای خارجی نقش جدی دارند که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم:

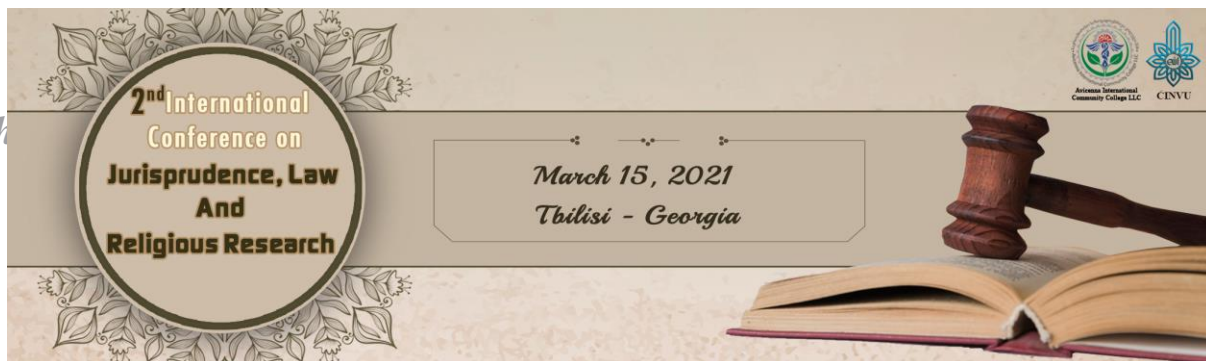
- ۱- سودپرستانی که همه چیز را در سود مادی خود خلاصه می‌کنند؛ اینان حاضرند فرهنگ جامعه خودی را به قیمت «پولدار شدن خودشان»، بفروشند؛ حاضرند بدبختی اطرافیان و جامعه خود را به قیمت خوشبختی ظاهری و موقت خود فدا کنند؛ حاضرند زالو صفت به جان بدنه اقتصادی کشور بچسبند و هر چه می‌توانند آن را بمکنند؛
- ۲- فراوانی و ارزانی موقت و جهت داری که توسط کمپانی‌های خارجی، به مشتریان ارائه می‌شود؛ این ارزانی و فراوانی تا زمانی ادامه دارد که زیرساخت‌های اقتصادی کشور، به طور کامل خراب شود؛ آنگاه که همه چیز خراب شد، نوبت جبران و سود چند برابر فرا می‌رسد و هیچ عامل دیگری هم نمی‌تواند جلودار آن باشد. آنگاه پا بر حلقوم ملت ضعیف گذاشته و فشار خواهند آورد.
- ۳- ضعف دانشی و گرایش بسیاری از مردم و بلند همت نبودن آنان در برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌ها. باید مردم را در این جهت، راهنمایی کرد و اطلاع‌رسانی کرد که شرف و بزرگی و احترام در آینده در فضای بین‌المللی، مرهون تحمل بعضی سختی‌ها است، به عبارت دیگر مردم باید بپذیرند که شاید نوعی جراحی اقتصادی لازم باشد، و ممکن است این جراحی با درد و ناراحتی همراه باشد.
- ۴- غفلت بسیاری از تصمیم‌گیران در نهادهای آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌های رسمی و غیر رسمی؛ علی‌رغم فرمایش مکرر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، و رهنمودهایی که از حدود سه دهه پیش تا کنون در حیطه مسائل اقتصادی داده‌اند، اما بسیاری از دست‌اندرکاران غافلند و بعضی به صورت عمدی و گویا برنامه‌ریزی شده در تلاش بوده‌اند تا این ملت را در میدان مبارزه اقتصادی، به استضعاف و ناتوانی بکشند تا به مطامع پست دنیوی خود دست یابند.
- ۵- ساختارهای شکل گرفته و مناسبت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی‌ای که قبلاً به صورت غیر اسلامی و غیرملی شکل گرفته است و به عنوان ریلی برای مصرف کالاهای خارجی عمل می‌کند؛ این امر باعث شده مصرف کالای خارجی گاه آسان‌تر، گاه ارزاتر، و گاه نیز در نگاه برخی با پرستیژتر باشد.
- ۶- مشکل بودن اصلاح و تغییر مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و... که مولفه‌های مختلف سبک زندگی هستند، دست در گردن هم دارند و به صورت در هم تنیده و مشبک گونه عمل می‌کنند؛ به راحتی نمی‌شود از دام آنها رهائی یافت. (زارعی، ۱۳۹۷).

### نتیجه‌گیری

به استناد بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی): ما بر روی تولید داخلی تکیه کردیم؛ هم در اول امسال و در شعار سال، هم در صحبت‌هایی که در طول این چند ماه از اول سال انجام گرفته. لذا تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده‌ی مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. حمایت نکردن از کالای داخلی، مستلزم ضرر اجتماعی است و طبق قاعده لاضرر، این ضرر نفی گردیده است؛ در نتیجه لازم است از کالای ایرانی حمایت گردد. مطابق با قاعده نفی سبیل، جامعه اسلامی وظیفه دارد با حمایت از تولیدات داخلی و کالاهای ایرانی، ضمن تقویت اقتصاد ملی، موجب بستن راه نفوذ و تسلط بیگانگان بر امور کشور شود. همچنین خرید کالای



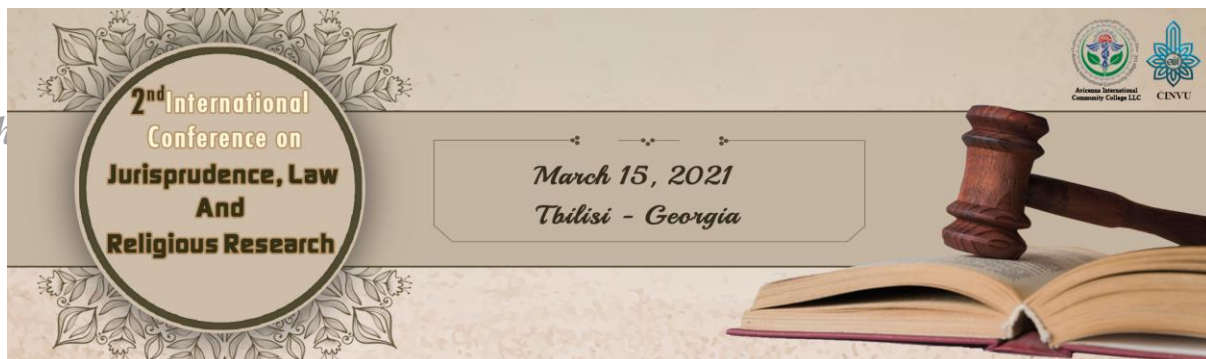
خارجی و حمایت از آن همکاری و تعاون در فعل حرام می‌باشد؛ زیرا موجب ضرر زدن به اقتصاد مسلمین و بازار آنها خواهد شد. در صورت احراز اختلال نظام معیشتی با واردات کالاهای خارجی، طبق قاعد حفظ نظام، لازم است تا حد امکان از ورود کالای غیر ضرور خارجی ممانعت و از کالای داخلی حمایت و استفاده نمایند. در صورت احراز حکم حکومتی مقام معظم رهبری و حفظ نظام در خرید کالای داخلی، همه موظف‌اند کالای داخلی را خریداری کنند. تولیدکنندگان نیز وظیفه دارند با بالابردن کیفیت، زمینه جذب مشتریان داخلی را فراهم کنند. طبق مفاد قاعده اهم و مهم، اگر خرید کالای داخلی موجب رونق کسب و کار و اشتغال جوانان شود، خرید کالای داخلی بر خرید کالای خارجی تقدم دارد.



## منابع

### قرآن کریم

- ابوحامد غزالی، محمد بن محمد طوسی، (۱۲۳۱)، المستصفی من علم الاصول، ج اول، مصر، امیریه.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- (۱۴۱۰)، الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- (۱۴۱۵)، کتاب بیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹)، فرائد الاصول، مجمع الفکر اسلامی.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹)، کفایه الاصول، قم، موسسه آل البيت (ع).
- حیبی، علی (۱۳۹۵)، مزیت‌های مصرف کالاهای داخلی، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کدخبر: ۱۸، ۸۲۴۵۷۷۹۶، اسفند.
- حرعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت (ع).
- خزائی و همکاران، میثم (۱۳۹۸)، تحلیل فقهی حمایت از کالای ایرانی (داخلی)، حکومت اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره اول، بهار، ص ۸۰.
- رحمانی، حسین (تابستان ۱۳۸۲)، «قاعده نفی سبیل از منظر فریقین»، پایگاه حوزه دریافت شده در ۱۴ آذر ۱۳۹۰.
- زارعی، حمید (۱۳۹۷)، نقش مصرف کالای داخلی یا خارجی در شکل دهی به سبک زندگی، پژوهش اجتماعی فرهنگی، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۱۶۲۴۱۶.
- صدر، سید موسی (۱۳۷۹)، اقتصاد در مکتب اسلام، تهران، انتشارات آوند دانش.
- صدر، محمد باقر (۱۴۲۹)، دروس فی علو الاصول، قم، دارالصدر.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، فراهایی از اسلام، جهان آرا.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰)، قواعد فقه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
- فیض (مشکینی)، علی اکبر (۱۳۷۱ ش) اصطلاحات الاصول، نشر الهادی.
- کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۸)، حکم ثانوی در تشریح اسلام، قم، بوستان کتاب.
- محمدی، کیمیا (۱۳۹۳). قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و مباحث خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره ۵۶، بهار، ص ۱۶۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، اسلام و مقتضیات زمان، صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، نظری به نظام اقتصادی ایران، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، قواعد مهم فقهی، قم، انتشارات امام علی (ع).



منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵)، دراسات فی مکاسب المحرمه، شرح کتاب: مکاسب، انصاری، مرتضی، قم، نشر تفکر اسلامی

فاکرمبیدی، محمد (۱۳۷۸). مصلحت نظام در اندیشه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ص).

نائینی، محمد حسین (۱۳۸۲ش)، تنبیه الامه و تنزیه المله، بوستان کتاب.

نجفی، محمد حسن (۱۴۳۰)، جواهر الکلام، دار احیا التراث العربی.

یزدی (محقق داماد)، سید مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، چ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

یزدی (محقق داماد)، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه، تهران-ایران.